



دوماهنامه علمی- پژوهشی

۱۱د، ش ۲ (پیاپی ۵۶)، خرداد و تیر ۱۳۹۹، صص ۳۱۵-۳۳۶

جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر

سیده عاطفه بقایی^{۱*}، مهرداد نغزگوی کهن^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

پذیرش: ۹۷/۰۲/۳۰

دریافت: ۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

جمله شرطی جمله‌ای مرکب است که از دو بند شرط و جزای شرط تشکیل شده است. هدف ما در این پژوهش، بررسی جمله‌های شرطی زبان فارسی معاصر بر اساس رده‌شناسی دکرک و رید (2001) است. بر اساس این رده‌شناسی معنایی، جهان ممکن بند شرط به دو دسته حقیقی و نظری تقسیم می‌شود. جهان ممکن نظری می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد و غیرخنثی، به چهار نوع بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی تقسیم می‌شود. در تحقیق حاضر، تلاش می‌شود این انواع با توجه به پیکره‌ای بالغ بر ۲۸۶ جمله شرطی - که از ۱۰ کتاب داستانی معاصر استخراج شده است - بررسی شود و بسامد وقوع هر یک به تفکیک مشخص شود. تحلیل جمله‌های شرطی فارسی نشان می‌دهد که ساخت شرطی فارسی با رده‌شناسی مذکور مطابقت دارد و جهان ممکن نظری باز، بالاترین بسامد وقوع را دارد و جهان‌های ممکن خنثی، بسته، حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی به ترتیب، بیشترین بسامد را بعد از جهان ممکن باز به خود اختصاص داده‌اند. بالاتر بودن بسامد وقوع جهان ممکن باز از آنجا نشئت می‌گیرد که در این جهان ممکن، موقعیتی فرضی که احتمال وقوع دارد، در نظر گرفته می‌شود و قطعیتی درباره وقوع آن وجود ندارد و این تعبیر با کارکرد ساخت شرطی بیشترین تطابق را دارد. همچنین، این تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر کلمات ربط شرطی معمول مانند «اگر، اگه، به شرطی که، والا، وگرنه و حتی اگر، که، تا و چنانچه» کلمات ربط دیگری مانند «چه ... چه؛ همچین که، وقتی که، به مجرد اینکه، حالا که، فرضاً، ولو، وقتی، آنگاه که، هروقت، همین که» نیز در نقش کلمه ربط شرطی به کار می‌روند.

واژه‌های کلیدی: جمله شرطی، بند شرط، کلمه شرطی، جهان ممکن، شرطی باز.

۱. مقدمه

جمله‌های شرطی در همهٔ زبان‌ها وجود دارند و پدیده‌ای جهانی است (Greenberg, 1963: 81). جمله‌های شرطی با توجه به کاربردهای مختلفی که در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی دارند، همواره پژوهشگران به آن توجه داشته‌اند. از جمله‌های شرطی برای بیان موقعیت‌های حقیقی^۱، فرضی^۲، ضدحقیقی^۳ و جزء آن استفاده می‌شود. طبق نظر تراگات^۴ و همکاران (2009: IV) جمله‌های شرطی، به‌طور مستقیم بازتاب توانایی گوینده در به‌دست دادن استدلال درمورد موضوع‌های جایگزین، نامعلوم و احتمالات تحقق‌نیافته است. به لحاظ ساختار، جملهٔ شرطی جمله‌ای مرکب است که از دو بند پایه و پیرو تشکیل شده است که به ترتیب، همان بندهای جزای شرط و شرط به‌شمار می‌روند و بیشتر زبان‌ها از کلمات ربط شرطی برای نشان‌دار کردن این ساخت استفاده می‌کنند. با توجه به اهمیت مطالعهٔ ساخت شرطی، در این پژوهش به بررسی ساخت جمله‌های شرطی در زبان فارسی معاصر بر اساس چارچوب نظری دکلرک^۵ و رید^۶ (2001) می‌پردازیم. در این چارچوب معنایی جمله‌های شرطی با توجه به جهان ممکن^۷ بند شرط، می‌توانند در انواع مختلفی رده‌بندی شوند. منظور از جهان ممکن موقعیتی است که در آن اشیا و رویدادها وجود دارند یا می‌توانند وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، جهان ممکن واقعی، موقعیتی است که اشیا واقعاً در آن وجود دارند یا جهان ممکن غیرواقعی موقعیتی است که می‌تواند وجود داشته باشد. برای مثال، در جملهٔ «پاریس پایتخت فرانسه است»، جهان ممکن واقعی است؛ زیرا در جهان واقعی پاریس پایتخت کشور فرانسه است، در حالی که در جملهٔ «اگر پاریس پایتخت ایتالیا بود، پاپ در آنجا زندگی می‌کرد» موقعیت مطرح‌شده در جهانی ضدحقیقی درست است و در جهان واقعی درست نیست (Declerck & Reed, 2001: 495).

از آنجا که تا به حال در زبان فارسی پژوهشی پیکره‌بنیاد و رده‌شناختی در زمینهٔ ساخت‌های شرطی انجام نگرفته است، در این پژوهش ما به بررسی رده‌بندی مذکور و تطابق آن با جمله‌های شرطی در زبان فارسی خواهیم پرداخت و به‌دنبال آن هستیم که به این پرسش پاسخ دهیم که آیا می‌توان ساخت شرطی زبان فارسی را از منظر رده‌شناسی طبقه‌بندی کرد و انواع مختلف شرطی که در زبانی همانند زبان انگلیسی وجود دارد، در زبان فارسی نیز وجود دارد یا اینکه ساخت شرطی زبان فارسی قابل طبقه‌بندی با رده‌شناسی مذکور نیست. به‌منظور نیل به این هدف، نیاز به بررسی جملات شرطی در پیکره‌ای مشخص وجود دارد. بنابراین، در

این پژوهش انواع ساخت‌های شرطی زبان فارسی را بر اساس پیکره‌ای معین که از متون نوشتاری فارسی معاصر به‌دست آمده است، مشخص خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که کدام یک از انواع شرطی در زبان فارسی دارای بسامد وقوع بالاتری است و دلیل آن چه می‌تواند باشد. علاوه بر آن، در این پژوهش به بررسی صورت ساخت‌های شرطی نیز خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که در زبان فارسی به‌منظور رمزگذاری ساخت شرطی از چه نشانه‌هایی علاوه بر نشانه‌های معمول ساخت شرطی که در مطالعات پیشین به‌دست آمده‌اند، استفاده می‌شود. به این منظور پیکره‌ای مشتمل بر ۱۰ کتاب از کتاب‌های داستانی معاصر انتخاب و از هر کتاب تعداد ۵۰۰۰ واژه بررسی شد. پیکره مذکور مشتمل بر تعداد تقریبی ۵۰۶۲۲ واژه است و تعداد ۲۸۶ جمله شرطی از این پیکره استخراج و تحلیل شد. ساختار این پژوهش به این شرح است: ابتدا در بخش ۲ پیشینه پژوهش مطرح می‌شود. سپس در بخش ۳ به مفاهیم نظری پژوهش خواهیم پرداخت. در بخش ۴ روش پژوهش بررسی می‌شود. در بخش ۵ تحلیل داده‌ها و در بخش ۶ نتیجه‌گیری ارائه خواهند شد.

۲. پیشینه پژوهش

ساخت‌های شرطی در زبان‌ها از جنبه‌های متفاوتی بررسی شده‌اند و رده‌شناسی‌های مختلفی نیز برای آن‌ها ارائه شده است؛ اما با بررسی مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه در زبان فارسی، با این موضوع مواجه شدیم که در این زبان ساخت‌های شرطی عمدتاً بر اساس دیدگاه‌های سنتی بررسی شده‌اند و مطالعه‌ای که مبتنی بر مطالعات رده‌شناختی باشد و طبقه‌بندی ساخت شرطی را انجام داده باشد، صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، مطالعات پیشین بیشتر صرفاً تمرکز بر زمان افعال به‌کار رفته در جملات شرطی داشته‌اند و مطالعه معنابنیاد در آثار کم‌تری به‌چشم می‌خورد. از طرف دیگر به‌نظر می‌رسد مطالعه پیکره‌بنیاد ساخت‌های شرطی در زبان فارسی - که در مطالعات پیشین وجود نداشته است - در طبقه‌بندی انواع ساخت شرطی در این زبان مؤثر خواهد بود. بنابراین، در این پژوهش پیکره‌ای مشخص از متون نوشتاری زبان فارسی معاصر بررسی خواهد شد تا بتوان انواع شرطی و بسامد وقوع هر یک را مشخص کرد و درنهایت، به ارائه تبیین‌های زبان‌شناختی درباره هر یک از انواع شرطی پرداخت. در این بخش، ابتدا مطالعات پیشین پژوهشگران ایرانی و سپس غیرایرانی در

زمینه ساخت‌های شرطی بررسی خواهد شد.

طبق نظر ناتل خانلری (۱۳۵۵: ۱۴۶ - ۱۵۴) جملهٔ پیرو همیشه توضیحی به جملهٔ پایه می‌افزاید که این توضیح گاهی دربارهٔ زمان وقوع فعل پایه است، گاهی علت، گاهی قرض و گاهی شرط. هرگاه در جملهٔ پیرو، شرطی وجود داشته باشد، انجام یافتن فعل پایه مسلم نیست؛ زیرا اگر آن شرط محقق نشود در آن صورت فعل اصلی نیز انجام نخواهد گرفت. وی آوردن بند شرط را برای بیان یکی از مفاهیم فرض ساده، احتمال یا بیان امر محال می‌داند. در زبان فارسی همانند بسیاری از زبان‌های دیگر بیشتر از کلمات ربط شرطی برای نشان‌دار کردن ساخت شرطی استفاده می‌شود. محققان بسیاری به بررسی انواع کلمات ربط شرطی در زبان فارسی پرداخته‌اند؛ مثلاً وحیدیان کامیار (۱۳۶۴: ۴۴) به کلمات ربط شرطی همانند «اگر، چنانچه، هرگاه، در صورتی که، به شرطی که، به شرط آنکه، به شرط اینکه، مشروط بر اینکه، وگرنه و الا» اشاره کرده است. از نظر ابوالقاسمی کلمات ربط شرطی فارسی عبارت‌اند از: «الا، گرآنکه، اگر زانکه، با آن/ این شرط، این شرط ... که، جز آنکه، چو، چون، چه...یا، خواه...خواه، در صورتی که، مگر، هرگاه و...» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۴۱۰ - ۴۱۲). نجفی معتقد است «که» در بیان شرط به معنای «اگر» خواهد بود و در این کاربرد «که» پیش از فعل به وجه التزامی می‌آید مانند «آلمان‌ها هزار تا از این کشتی‌ها را هم که غرق بکنند عاقبت انگلیس‌ها خردشان می‌کنند» (نجفی، ۱۳۷۴). ماهوتیان (۱۳۷۸: ۴۷) بیان می‌کند که حرف ربط «چنانچه» که رسمی‌تر است و کم‌تر از «اگر» کاربرد دارد نیز قبل از بند پایه می‌آید؛ مانند جملهٔ «چنانچه فرصت دارید برید تیرین». از طرف دیگر بند شرطی منفی را می‌توان با «مگه اینکه» شروع کرد و پس از بند پایه قرار داد و یا با «تا» آغاز کرد و آن را قبل از بند پایه آورد. وی نمونه‌های «کلیدو بهش نده مگه اینکه پولو بهت بده» و «تا شام نخوری دسر بهت نمی‌دم» را به‌منزلهٔ شاهد آورده است. دبیرمقدم و صدیقی‌فر (۱۳۹۱) جملات شرطی را از نظر مطابقت فعل در بندهای شرط و جزای شرط و نیز از لحاظ احتمال وقوع به چهار دسته تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. جملات شرطی که احتمال وقوع آن‌ها در زمان حال وجود دارد؛ مانند «اگر همین الان برویم، به اتوبوس می‌رسیم»؛ ۲. جملات شرطی که احتمال وقوع آن‌ها در زمان حال وجود ندارد مانند «اگر زودتر راه می‌افتادیم، به اتوبوس می‌رسیدیم»؛ ۳. جملات شرطی که امکان یا احتمال انجام عمل در آن-ها در گذشته وجود داشته است؛ اما به دلیل محقق نشدن شرط، عمل مورد نظر به وقوع

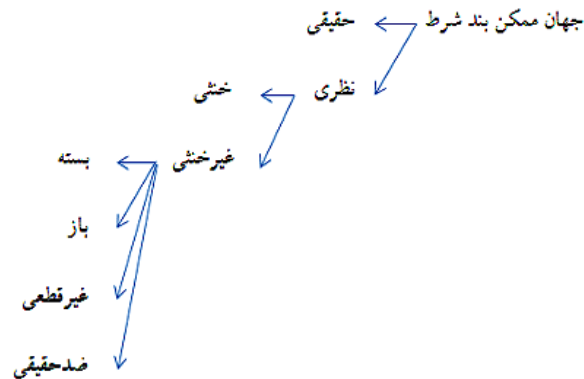
نپیوسته است مانند «اگر دیروز تند رفته بودیم، به اتوبوس رسیده بودیم» و ۴. شرطی‌هایی که به احتمال وقوع عمل در آینده، منوط به برآورده ساختن شرط اشاره می‌کنند مانند «اگر او رفت، من هم می‌روم». سلیمی (۱۳۹۴) به بررسی یادگیری جملات شرطی در زبان‌آموزان پرداخته است. از نظر وی جمله شرطی نوع سوم انگلیسی که بیانگر پیامد غیرواقعی رویدادی است که در گذشته اتفاق نیفتاده است، هم به لحاظ نحوی و هم به لحاظ معنایی پیچیده است و فراگیری این نوع ساخت برای زبان‌آموزان دشوار است؛ زیرا آن‌ها ملزم می‌شوند که فرضی بودن و ارجاع به زمان گذشته را به‌طور هم‌زمان رمزگذاری کنند.

در جهانی چهاردهم از جهانی‌های زبانی، گرینبرگ^۸ (81: 1963) معتقد است در حالت عادی در همه زبان‌ها در جمله‌های شرطی، بند شرط قبل از جزای شرط می‌آید. البته، در بسیاری از زبان‌ها هر دو ترتیب استفاده می‌شود؛ اما در دستور همان زبان‌ها، صورت متعارف تقدم شرط بر جزای شرط عنوان شده است. اسکتر^۹ (1971) شرطی‌ها را به واقعی و غیرواقعی تقسیم کرده است. شرطی‌های واقعی به موقعیت‌هایی اشاره دارند که در جهان واقعی روی می‌دهند و می‌توانند شرطی‌های حال، گذشته و عمومی^{۱۰} باشند. شرطی‌های غیرواقعی نیز به آینده و تخیلی تقسیم می‌شوند و شرطی‌های تخیلی مشتمل بر دو نوع هستند که عبارت‌اند از شرطی‌های ضدحقیقی^{۱۱} و شرطی‌های فرضی. طبق نظر کامری^{۱۲} (88 - 77: 1985) در ساخت‌های شرطی می‌توان به وجود دو رابطه سببی و منطقی اشاره کرد. رابطه منطقی ناظر بر رابطه‌ای بین دو گزاره شرط و جزای شرط است. اگر شرط و جزای شرط هر دو درست باشند یا شرط غلط باشد و جزای شرط درست باشد یا اگر شرط و جزای شرط هر دو غلط باشند، کل گزاره موردنظر درست خواهد بود و فقط در صورتی که شرط درست و جزای شرط غلط باشد، گزاره غلط می‌شود. از نظر وی بیشتر زبان‌ها بند شرط یا جزای شرط یا هر دو را نشان‌دار می‌کنند. نشان‌داری بند شرط بیشتر با استفاده از کلمات ربط انجام می‌شود. آتاناسیادو^{۱۳} و دیرون^{۱۴} (62 - 61: 1997) شرطی‌ها را در سه دسته کلی قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: شرطی‌های رویدادی که در آن‌ها بیشتر دو رویداد یا وضعیت هم‌زمان بیان می‌شوند، شرطی‌های فرضی و شرطی‌های کاربردی. مورسیا^{۱۵} و فریمن^{۱۶} (1999) شرطی‌ها را در سه طبقه اصلی قرار داده‌اند که عبارت‌اند از شرطی‌های حقیقی، آینده و تخیلی. طبق نظر آن‌ها شرطی‌های حقیقی می‌توانند بدون زمان، یعنی خارج از محدوده زمانی باشند یا بیانگر

عادات یا حقایق علمی باشند یا اینکه می‌توانند مقید به زمان باشند؛ یعنی به زمان‌های حال، گذشته یا زمان‌های دیگر اشاره کنند. فینتل^{۱۷} (2011) به دو نوع اصلی شرطی اخباری و التزامی یا ضدواقعی اشاره کرده است. منظور از شرطی اخباری شرطی است که در آن درستی بند شرط به‌نوعی مشخص است، در حالی که در التزامی بند شرط درست نیست؛ اما آنچه مسلم است این است که در شرطی التزامی، ضدواقعی بودن همواره به‌منزله بخشی از معنا منتقل نمی‌شود. از نظر عبداللهی گیلانی و همکاران^{۱۸} (2012) معنی شرطی‌ها می‌تواند از ساختی به ساخت دیگر متفاوت باشد و معانی احتمال، آرزو یا تأسف و اراده نیز منتقل می‌کنند. آن‌ها شرطی تخیلی را به دو نوع شرطی فرضی و ضدحقیقی تقسیم می‌کنند که شرطی فرضی با رویدادها یا شرایطی که غیرمحتمل، اما ممکن است و شرطی ضدحقیقی با رویدادها و شرایطی که در زمان‌های گذشته و حال، غیرممکن هستند، در ارتباطاند. از نظر پالمر^{۱۹} (2013: 170 - 168) در زبان انگلیسی سه نوع شرطی واقعی، غیرواقعی و ضدحقیقی وجود دارد. در شرطی واقعی، گوینده به اینکه دو گزاره به یکدیگر مرتبطاند، اشاره می‌کند و عقیده شخصی خود درباره صحت هیچ یک از گزاره‌ها را بیان نمی‌کند. در غیرواقعی گوینده از صحت رخداد دو گزاره اطمینانی ندارد و در ضدحقیقی نشان داده می‌شود که اگر موقعیت مورد نظر متفاوت از آنچه رخ داده است می‌بود، چه رویدادی به انجام می‌رسید.

۳. مفاهیم نظری پژوهش

همان‌طور که دیدیم در مطالعه ساخت‌های شرطی طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش دکلرک و رید (2001) است. چارچوب دکلرک و رید (66 - 65: *ibid*) معنایی است و طبقه‌بندی انواع ساخت شرطی بر اساس معنای ساخت شرطی و بر اساس نوع جهان ممکن بند شرط صورت می‌گیرد. جهان ممکن بند شرط در وهله اول می‌تواند جهان حقیقی یا نظری^{۲۰} باشد. اگر جهان ممکن نظری باشد، می‌تواند خنثی^{۲۱} یا غیرخنثی^{۲۲} باشد. چنانچه جهان ممکن بند شرط از نوع غیرخنثی باشد، خود می‌تواند بسته^{۲۳}، باز^{۲۴}، غیرقطعی^{۲۵} و ضدحقیقی باشد. این رده‌شناسی در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود.



نمودار ۱: رده‌شناسی جهان‌های ممکن بند شرط

Diagram 1. Typology of possible worlds of protasis

تفاوت بین شرطی‌های با بند شرط حقیقی و نظری بر اساس نوع جهان ممکن است که در بند شرط به آن اشاره می‌شود. در شرطی‌های با بند شرط حقیقی، موقعیت بند شرط به‌منزله یک حقیقت تعبیر می‌شود، به‌گونه‌ای که بخشی از جهان واقعی را تشکیل می‌دهد. در این شرطی گوینده به‌درستی بند شرط در جهان واقعی معترف است و جهان ممکن حقیقی به موقعیتی اشاره می‌کند که یا روی داده است و یا در حال روی دادن است مانند «اگر من مشکلی داشتم، همیشه پیش مادربزرگم می‌رفتم»، در حالی که در شرطی‌های با بند شرط نظری، بند شرط درباره یک موقعیت فرضی صحبت می‌کند و جهان ممکن نظری موقعیتی دارد که در ذهن گوینده است و بنابراین، جهانی نظری می‌سازد یک شرطی که بند شرط آن به جهان نظری اشاره می‌کند، اگر هیچ‌گونه ارتباطی با جهان واقعی نداشته باشد، از نوع خنثی یا نظری خنثی خواهد بود. گوینده‌ای که از شرطی خنثی استفاده می‌کند، هیچ‌گونه فرض یا ازپیش‌انگاری درباره احتمال شبیه بودن جهان نظری با جهان واقعی ندارد مانند «اگر خانمی سابقه سرطان در خانواده‌اش وجود دارد، هر سال باید مورد بررسی قرار گیرد». از طرف دیگر، اگر گوینده از شرطی با بند شرط غیرخنثی استفاده کند، در این صورت بند شرط ازپیش‌انگاری درباره میزان شباهت جهان نظری به جهان واقعی دارد. این بدان معناست که تا چه میزان شرط در جهان

واقعی می‌تواند درست باشد. با توجه به میزان این احتمال می‌توان به چهار نوع شرطی نظری غیرخنثی اشاره کرد که در آن‌ها از پیش‌انگاریِ مطابقت موقعیت بند شرط با جهان واقعی می‌تواند درست، احتمالاً درست، غیرمحمتمل و غلط باشد که به ترتیب، به آن‌ها شرطی بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی گفته می‌شود (72 - 67). در شرطی با جهان ممکن بسته، گوینده فرض می‌کند موقعیت بند شرط در جهان واقعی درست است. بنابراین، در شرطی‌های با بند شرط بسته، بند شرط به‌منزله یک حقیقت شناخته شده نیست؛ بلکه فرض می‌شود که در جهان واقعی درست است مانند «اگر شما چیزی درباره این موضوع می‌دانید، به من بگویید». اگر مطابقت جهان ممکن بند شرط با جهان واقعی مشخص نباشد، جهان ممکن بند شرط باز خواهد بود؛ یعنی درباره مطابقت جهان ممکن و واقعی نه قطعیت وجود دارد، نه محتمل است و نه غیرمحمتمل مانند «اگر قطار دیر برسد، ما قرار ملاقاتمان را از دست خواهیم داد» (91). در جهان ممکن غیرقطعی، تطابق جهان ممکن بند شرط با جهان واقعی غیرمحمتمل است؛ اما غیرممکن نیست. در واقع، در این نوع شرطی، بیشتر احتمال دارد که موقعیت بند شرط در جهان واقعی غلط باشد مانند «اگر او استعفا می‌داد، خوشحال می‌شدم» (Declerck & Reed, 2001: 93 - 98). در نهایت، جمله شرطی که در آن فرض شود جهان نظری بند شرط در تقابل با حقیقت است؛ یعنی کاملاً با جهان واقعی متفاوت است، شرطی با بند شرط ضدحقیقی خواهد بود مانند «من اگر به‌جای تو بودم، هرگز با آن‌ها نمی‌رفتم» (99).

۴. روش پژوهش

به‌منظور بررسی جمله‌های شرطی در زبان فارسی معاصر تعداد ۱۰ کتاب داستانی از نویسندگان معروف معاصر فارسی زبان انتخاب کردیم. از هر یک از کتاب‌ها تعداد تقریبی ۵۰۰۰ واژه و ۲۵ صفحه به‌طور تصادفی انتخاب و جمله‌های شرطی در نمونه مذکور جمع‌آوری شد. سپس نوع هر یک از جملات شرطی را با توجه به رده‌بندی دکلرک و رید (2001) و با در نظر گرفتن بافت کلامی جمله و معنای آن مشخص کردیم. پیکره مورد بررسی، مشتمل بر ۵۰۶۲۲ واژه، ۲۵۴ صفحه و تعداد ۲۸۶ جمله شرطی بوده است. عنوان کتاب‌ها و تعداد ساخت شرطی به‌دست آمده از هر یک از کتاب‌ها به شرحی است که آورده می‌شود: *دارالمجانین*، اثر سید محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۳۳)، با ۳۸ ساخت شرطی، *شطرنج با ماشین قیامت*، اثر حبیب

احمدزاده (۱۳۸۶)، با ۳۱ ساخت شرطی، *خانوم*، اثر مسعود بهنود (۱۳۸۶)، با ۲۱ ساخت شرطی، *چشم‌هایش*، اثر بزرگ علوی (۱۳۶۳)، با ۳۷ ساخت شرطی، *مدیر مدرسه*، اثر جلال آل احمد (۱۳۴۵)، با ۲۲ ساخت شرطی، *دختردایی پروین*، اثر علی محمد افغانی (۱۳۷۷)، با ۳۲ ساخت شرطی، *دخیل بر پنجره فولاد*، اثر امیرحسین چهل‌تن (۱۳۵۷)، با ۱۹ ساخت شرطی، *شما که غریبه نیستید*، اثر هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۸۴)، با ۲۲ ساخت شرطی، *شکر تلخ*، اثر جعفر شهری (۱۳۷۱)، با ۴۱ ساخت شرطی و *سفر*، اثر محمود دولت‌آبادی (۱۳۵۲)، با ۲۳ ساخت شرطی.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش به تحلیل داده‌های پیکره مذکور خواهیم پرداخت. ابتدا به بررسی صوری ساخت‌های شرطی می‌پردازیم که این بخش اولاً مشتمل بر جملات شرطی خواهد بود که خلاف صورت متعارف، بند جزای شرط آن‌ها بر بند شرط مقدم آمده است و در بخش دوم کلمات ربط شرطی بررسی خواهند شد. در بخش آخر نیز طبقه‌بندی انواع ساخت‌های شرطی بر اساس جهان‌های ممکن بند شرط انجام خواهد گرفت.

۵-۱. تقدم بند جزای شرط بر شرط

با بررسی جمله‌های شرطی پیکره مورد بررسی در زبان فارسی معاصر مشخص شد که جهانی چهاردهم گرینبرگ در زبان فارسی نیز صادق است. به عبارت دیگر، در زبان فارسی در حالت متعارف، بند شرط مقدم بر بند جزای شرط است و بسامد وقوع جملاتی که خلاف این قاعده هستند، بسیار پایین است. در کل پیکره تنها در ۸ جمله، بند جزای شرط مقدم بر بند شرط آمده است. تعدادی از این جمله‌ها برای نمونه‌ای که آورده می‌شود، آورده شده است:

۱. کاپیتان فرانسوی گفته بود: به هیچ قیمت نمی‌ایستد حتی اگر با توپ کشتی را بزنند (بهنود، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

۲. قرار را بر این گذاشتیم که یک معلم دیگر از فرهنگ بخواهیم و به هر کدامشان هجده ساعت درس بدهیم به شرط اینکه هیچ بعدازظهری مدرسه تعطیل نباشد (آل‌احمد، ۱۳۴۵: ۴۶).

۳. منو ببخش اگه زندگیتو بهم ریختم (شهری، ۱۳۷۱: ۴۶).

جمله‌های شرطی که در آن‌ها بند جزای شرط مقدم بر بند شرط آمده‌اند، با کلمات ربط شرطی «حتی اگر، به شرط اینکه/ آنکه و اگه» رمزگذاری شده بودند و در همه آن‌ها تأکید گوینده بر رویداد گزاره جزای شرط است.

۵-۲. کلمات ربط در ساخت شرطی

دیدیم که یکی از پارامترهای تشخیص ساخت شرطی، نشان‌دار کردن شرط با استفاده از کلمه ربط شرطی است. در جمله‌های پیکره، تعداد ۳۴ جمله شرطی بدون کلمه ربط شرطی وجود داشتند و در همه آن‌ها می‌توان با توجه به بافت کلام، شرطی بودن جمله شرطی را دریافت. در جملاتی که آورده می‌شود، نمونه‌ای از این‌گونه جمله‌ها آورده شده است:

۴. به اسدو گفتم منو برسون به مادرت، به او برسیم خویم می‌کنه (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۵. می‌خوای بریم پیش حاج آقا جمالم یه کاغذ بهت بدم که تا آخر عمرم کاری به‌کارت نداشته باشم (شهری، ۱۳۷۱: ۵۰۳).

همان‌طور که در مطالعات پیشین به آن اشاره شد، در زبان فارسی همانند بسیاری از زبان‌های دیگر، جمله‌های شرطی معمولاً با کلمه ربط شرطی نشان‌دار می‌شوند و در مطالعات پیشین نیز به کلمات ربطی که می‌توانند در نقش کلمه ربط شرطی به‌کار روند، اشاره شده است؛ اما تفاوت مهم نتایج ما با پژوهشگران مذکور در این است که این پژوهش بر اساس پیکره‌ای کاملاً مشخص صورت گرفته است و در این پیکره نگارنده‌گان با انواع دیگری از کلمات ربط مواجه شدند که در نقش کلمه ربط شرطی به‌کار رفته بودند. انواع و بسامد وقوع همه کلمات ربط شرطی در این پیکره در جدول شماره ۱ به‌دست داده شده است.

جدول ۱: کلمات ربط شرطی و بسامد وقوع آن‌ها در پیکره

Table 1. Conditional connective words and their frequency in the corpus

کلمه شرطی	بسامد وقوع
اگر	۱۴۷
اگه	۳۷
که	۱۷

بسامد وقوع	کلمه شرطی
۹	وقتی
۸	هروقت
۷	وگرنه
۶	تا، حتی اگر/ حتی اگه
۵	به شرطی که/ به شرط اینکه/ به شرط آنکه
۲	چه...چه، همین که/ همچنین که
۱	وقتی که، به مجرد اینکه، حالا که، والا، فرضاً، چنانچه، ولو، آنگاه که

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، کلمه ربط شرطی «اگر» بالاترین بسامد وقوع را دارد؛ زیرا این کلمه، کلمه ربط شرطی متعارف در زبان فارسی است؛ اما همان‌طور که مشاهده می‌کنید، کلمات ربط دیگری نیز در مقام کلمه ربط شرطی می‌توانند قرار بگیرند و ساخت شرطی را رمزگذاری کنند. آنچه از نتایج این پژوهش به دست می‌آید و پیش از این به آن اشاره‌ای نشده است آن است که کلمات ربط «ولو، آنگاه که، همین که، همچنین که، فرضاً، به مجرد اینکه، چه...چه، حالا که، وقتی، هروقت و وقتی که» نیز می‌توانند علاوه بر کلمات ربط «اگر، اگه، وگرنه، به شرط اینکه، حتی اگر، الا، که، تا و چنانچه» ساخت شرطی را نشان‌دار کنند و همان معنای شرطی از آن‌ها با توجه به بافت کلامی به دست آید. در جملاتی که آورده می‌شود، برای هر یک از کلمات ربط شرطی مذکور نمونه‌ای آورده شده است:

۶. تو ولو برای خاطر شاه‌باجی‌خانم بیچاره و برای دختر عموی بدبخت و بی‌کست هم باشد از این خیال‌هایی که بوی خودخواهی از آن می‌آید صرف نظر کن (جمال‌زاده، ۱۳۳۳: ۲۷۱).

۷. آنگاه که آن چیزی را که نمی‌دانم چیست نابود کردی چه می‌شود (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۹۶)؟
 ۸. همین که دستشان به جایی بند شد و به مال و علاقه‌ای رسیدند آن وقت دیگر بخشش به خروار را یک‌بار فراموش کرده حسابشان به دینار می‌شود (جمال‌زاده، ۱۳۳۳: ۲۳).

۹. همچنین که قلقلکم بدهد از حال می‌روم (چهل‌تن، ۱۳۵۷: ۸۳).
 ۱۰. گفت فرضاً هم که رضا قورتکی به دنیا نیامده باشد و برای مقصودی خلق شده باشیم گمان نمی‌کنم مربوط به سرکار عالی و بنده شرمنده باشد (جمال‌زاده، ۱۳۳۳: ۲۷۰).

۱۱. به مجرد اینکه سرشان به سامانی رسید، برای پوست گردویی تا بار دو می‌دوند (همان: ۲۲).
۱۲. چه بگویی «قل هو الله احد» و چه بگویی «قل الاحد هو الله» هیچ فرقی ندارد (همان: ۷۹).
۱۳. حالا که حرف حسابی و ادب و انسانیت به‌خرجتان نمی‌رود بروید هر نجاستی می‌خواهید بخورید (همان: ۱۸۹).
۱۴. حس می‌کردم، وقتی ما را می‌بیند؛ پس حتماً صدای ما را هم به‌نوعی ... (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۶۰).
۱۵. امیدوارم هر وقت فرصت کردید به اتمام آن همت گمارید (علوی، ۱۳۶۳: ۱۸).
۱۶. وقتی که ما بچه‌ها با توپ‌های خودمان مشغول بازی می‌شدیم و کسی به‌او اعتنا نمی‌کرد، او هم برای خود در عالم خیال توپی درست کرده و مشغول بازی می‌شد (جمال‌زاده، ۱۳۳۳: ۲۲).

۵-۳. جهان‌های ممکن بند شرط

با بررسی جمله‌های شرطی پیکره بر اساس رده‌بندی دکلرک و رید (۲۰۰۱) می‌توان گفت در بیشتر جمله‌های شرطی، جهان ممکن بند شرط از نوع نظری بوده است؛ زیرا از مجموع ۲۸۶ جمله شرطی تعداد ۲۴۹ جمله دارای جهان ممکن بند شرط از نوع نظری و ۳۷ جمله، جهان ممکن بند شرط از نوع حقیقی بوده‌اند. بنابراین، جمله‌های با بند شرطی که جهان ممکنش حقیقی باشد، بسامد کم‌تری داشتند و این موضوع از آنجا نشئت می‌گیرد که کاربرد ساخت شرطی بیشتر درباره موقعیتی است که به‌نوعی فرضی است و درباره موقعیت‌هایی که منطبق بر واقعیت هستند و حقیقی‌اند به‌کار بردن ساخت شرطی معمول نیست. به عبارت دیگر، اینکه گوینده به‌درستی موقعیتی در دنیای واقعی بیان داشته باشد و آن را به‌صورت جمله شرطی بازگو کند، معمول نیست و همین موضوع سبب پایین بودن بسامد وقوع شرطی حقیقی نسبت به شرطی نظری است؛ زیرا در شرطی حقیقی گوینده درستی موقعیت بند شرط در دنیای واقعی را باور دارد. از مجموع ۲۴۹ جمله با بند شرط نظری، تعداد ۴۸ جمله بند شرط نظری خنثی و مابقی، یعنی ۲۰۱ جمله بند شرط نظری غیرخنثی داشتند. به عبارت دیگر، در بیشتر موارد گوینده از پیش‌انگاری نسبت به چگونگی رابطه موقعیت بند شرط با دنیای واقعی دارد و اینکه گوینده جمله‌ای شرطی بدون

هیچ‌گونه ازپیش‌انگاری درباره تطابق دنیای واقعی و موقعیت بند شرط را به‌کار برد، احتمال کم‌تری دارد و این موضوع از پایین‌تر بودن بسامد وقوع شرطی خنثی نسبت به غیرخنثی قابل دریافت است؛ زیرا همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، در شرطی که گوینده صرفاً یک فرض را بیان می‌کند و درباره احتمال وقوع یا عدم وقوع آن هیچ ازپیش‌انگاری ندارد جهان ممکن بند شرط از نوع خنثی است. طبق رده‌شناسی دکلرک و رید (2001) بند شرط نظری غیرخنثی خود مشتمل بر چهار نوع است که از مجموع ۲۰۱ جمله با بند شرط غیرخنثی تعداد ۳۹ جمله بند شرط بسته، ۱۱۲ جمله باز، ۲۶ جمله غیرقطعی و ۲۴ جمله ضدحقیقی بودند. همان‌طور که از نتایج داده‌ها مشخص است، ساخت شرطی با جهان ممکن بند شرط باز با اختلاف نسبتاً چشم‌گیری نسبت به دیگر انواع شرطی، بیشترین بسامد وقوع را داشت. می‌توان دلیل آن را این‌گونه تحلیل کرد که در نوع باز از آنجا که گوینده درباره تطابق موقعیت بند شرط و دنیای واقعی قطعیتی ندارد، امکان استفاده از این نوع در ساخت شرطی بیشتر است؛ به عبارت دیگر، ماهیت ساخت شرطی با این نوع بیشترین هم‌پوشانی را دارد؛ زیرا ساخت شرطی در کلام واقعی نیز بیشتر درباره موقعیتی است که روی نداده است و احتمال روی دادنش ممکن است وجود داشته باشد. از طرف دیگر جهان ممکن بند شرط ضدحقیقی کم‌ترین بسامد را در داده‌های پیکره به‌خود اختصاص داده است. در جهان ممکن ضدحقیقی از آنجا که گوینده فرض می‌کند، موقعیت گزاره بند شرط با واقعیت در تقابل است، بنابراین، به‌کار بردن گزاره شرطی برای چنین موقعیتی دارای کارایی بالایی نیست؛ زیرا در ساخت شرطی بیشتر گوینده به‌دنبال بیان موقعیتی است که مشروط بر موقعیت دیگر است و امکان وقوع آن را در نظر دارد، در حالی که در شرطی ضدحقیقی امکان وقوع گزاره بند شرط اصلاً وجود ندارد. بنابراین، پایین بودن بسامد این نوع شرطی قابل تبیین است. البته، شرطی ضدحقیقی و غیرقطعی تقریباً به نسبت یکسانی در پیکره وجود داشته است و درصد وقوع هر دو پایین بوده است. در جدول شماره ۲ بسامد و درصد وقوع هر یک از انواع جهان‌های ممکن بند شرط در پیکره مورد بررسی دیده می‌شود.

جدول ۲: بسامد مورد و درصد وقوع جهان‌های ممکن بند شرط در جمله‌های پیکره

Table 2. Token frequency & occurrence percentage of possible worlds of protasis in the corpus' sentences

جهان ممکن بند شرط	بسامد مورد	درصد وقوع
حقیقی	۳۷	۱۲.۹۳
نظری خنثی	۴۸	۱۶.۷۸
نظری غیرخنثی بسته	۳۹	۱۳.۶۳
نظری غیرخنثی باز	۱۱۲	۳۹.۱۶
نظری غیرخنثی غیرقطعی	۲۶	۹.۰۹
نظری غیرخنثی ضدحقیقی	۲۴	۸.۳۹

از هر یک از انواع مختلف جهان‌های ممکن بند شرط نمونه‌ای در جدول شماره ۳ ذکر شده است:

جدول ۳: مثال‌های جهان ممکن بند شرط

Table 3. Examples of possible world of protasis

جهان ممکن	مثال
حقیقی	اگر در همان ایام اتفاقاً با دیوانگان سروکار پیدا نکرده بودم، به‌طور یقین فوراً آن‌را بسته و کنار می‌گذاشتم (جمال‌زاده، ۱۳۳۳: ۱۳۶).
خنثی	این آب اگر به شوره‌زار رفت در عمق زمین نشست می‌کند (علوی، ۱۳۶۳: ۱۱۶).
بسته	اما این زن با این صورت زیبا و با این وقار و سنگینی اگر مدل هم نشسته باشد، باید دلیلی داشته باشد (همان: ۳۱).
باز	اگر نصف شبی کسی ببیندش جابه‌جا هول می‌کنه (دولت‌آبادی، ۱۳۵۲: ۱۴۸).
غیرقطعی	اگر یادتان هست که دیشب چه خورده‌اید من هم می‌گویم که بیست‌وپنج سال پیش چه کرده‌ام (افغانی، ۱۳۷۷: ۱۶۲).
ضدحقیقی	اون بنده خدای چلاقم اگه عقل درستی داشت می‌رفت به خون‌ش (دولت‌آبادی، ۱۳۵۲: ۱۴۸).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مثال جهان ممکن حقیقی، گوینده به‌درستی موقعیت بند شرط در جهان واقعی بیان دارد و موقعیتی را توصیف می‌کند که روی داده است. به عبارت دیگر، در جمله اول، گوینده در گذشته با دیوانگان سروکار پیدا کرده و بنابراین، کتاب مورد

نظرش را مطالعه کرده است. در مثال جهان ممکن نظری خنثی، حکمی کلی بیان شده است و گوینده چیزی درباره احتمال ریخته شدن آن آب در شوره زار یا احتمال نریختن آن ندارد و صرفاً یک فرض را بیان می‌کند. در مثال جهان ممکن بسته، گوینده فرض می‌کند موقعیت بند شرط در جهان واقعی درست است. به عبارت دیگر، به درستی آن در جهان واقعی بیان ندارد؛ اما فرض می‌کند که موقعیت بند شرط با جهان واقعی تطابق دارد. در این جمله گوینده فرض می‌کند که زن مورد نظر، مدل استاد نقاشی نشسته است؛ اما در مورد اینکه آیا واقعاً او مدل نشسته است اطلاعی ندارد؛ بلکه از پیش‌انگاری دارد که این اتفاق روی داده است. در مثال جهان ممکن، باز مطابقت جهان بند شرط با جهان واقعی مشخص نیست. به عبارت دیگر، درباره وقوع یا عدم وقوع موقعیت بند شرط در جهان واقعی قطعیتی وجود ندارد. در این جمله گوینده از اینکه فردی شخص مورد نظر را در نیمه شب ببیند یا نه مطمئن نیست؛ اما احتمال روی دادن آن را می‌دهد. در مثال جهان ممکن غیرقطعی، مطابقت موقعیت بند شرط با جهان واقعی غیرمحمتمل است؛ اما غیرممکن نیست. در این جمله گوینده از امکانی صحبت می‌کند که غیرمحمتمل است. به عبارت دیگر، گوینده این از پیش‌انگاری را دارد که مخاطبانش احتمالاً نمی‌توانند به یاد آورند که چه چیزی خورده‌اند؛ اما با وجود این، ممکن است این اتفاق روی دهد. در مثال جهان ممکن ضدحقیقی، گوینده این از پیش‌انگاری را دارد که موقعیت بند شرط در تقابل با جهان واقعی است. به عبارت دیگر، کاملاً متفاوت از جهان واقعی است. در این جمله گوینده، مخاطب را فاقد عقل درستی می‌داند و بنابراین، از نظر او نقیض بند شرط در جهان واقعی درست است.

بنابراین، می‌توان برای ساخت شرطی در زبان فارسی از این رده‌بندی معنایی استفاده کرد و بر اساس آن انواع ساخت شرطی را برای جملات شرطی تشخیص داد؛ زیرا تا به حال در زبان فارسی ساخت شرطی از چنین منظری بررسی نشده بود. علاوه بر این، در پژوهش‌های آتی می‌توان به بررسی رابطه زمان دستوری^{۲۶} با هر یک از این انواع شرطی پرداخت؛ زیرا با توجه به داده‌ها نگارنده‌گان بر این باورند که می‌توان بین زمان‌های دستوری گذشته^{۲۷} و غیرگذشته^{۲۸} در زبان فارسی و انواع شرطی رابطه‌ای برقرار کرد.

۶. نتیجه

به‌منظور بررسی ساخت شرطی در زبان‌ها رده‌شناسی‌های مختلفی ارائه شده است؛ اما در

مطالعات پیشین دربارهٔ ساخت شرطی زبان فارسی مطالعه‌ای رده‌شناسانه و مبتنی بر پیکره صورت نگرفته است. بنابراین، در این پژوهش از رده‌شناسی دکلرک و رید (2001) به‌منظور طبقه‌بندی انواع شرطی در این زبان استفاده کردیم و علاوه بر آن به بررسی ساخت صوری جملات شرطی نیز پرداختیم. در رده‌شناسی مذکور، طبقه‌بندی به لحاظ معنایی و بر اساس بافت صورت می‌گیرد و جهان ممکن بند شرط تعیین‌کننده است. بر این اساس، جهان ممکن بند شرط، می‌تواند حقیقی یا نظری باشد که اگر نظری باشد، می‌تواند نظری خنثی یا غیرخنثی باشد. جهان ممکن نظری غیرخنثی بر اساس نوع ازپیش‌انگاری بند شرط به انواع بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی تقسیم می‌شود. در این پژوهش انواع مختلف این رده‌شناسی در پیکره‌ای که مشتمل بر ۵۰۶۲۲ واژه و ۲۵۴ صفحه بود، بررسی شد. در پیکره مذکور ۲۸۶ جمله شرطی استخراج و تحلیل شد. بر اساس نتایج، می‌توان گفت در زبان فارسی معاصر نیز ترتیب غالب ساخت شرطی، تقدم بند شرط بر جزای شرط است و کلمهٔ ربط شرطی «اگر» بسامد بالاتری نسبت به دیگر انواع کلمات ربط شرطی دارد. علاوه بر کلمات ربط شرطی همانند «اگر، اگه، به‌شرطی‌که، وگرنه، والا، که، تا، حتی‌اگر و چنانچه» که در مطالعات پیشین به آن‌ها اشاره شده است، در پیکره مذکور با کلمات ربط دیگری همانند «وقتی، هروقت، چه...چه، همچین که، وقتی که، به‌مجرداینکه، حالا که، فرضاً، ولو و آنگاه‌که» مواجه شدیم که در نقش کلمهٔ ربط شرطی به‌کار رفته‌اند و معنای شرطی از آن‌ها استفاده می‌شود. با بررسی پیکره به این نتیجه رسیدیم که رده‌شناسی دکلرک و رید (2001) بر جمله‌های زبان فارسی قابل اجراست و ساخت شرطی زبان فارسی با این رده‌شناسی مطابقت دارد و داده‌های زبان فارسی به‌گونه‌ای بودند که همهٔ انواع شرطی رده‌شناسی مذکور را شامل می‌شدند و جمله‌ای که در این طبقه‌بندی قرار نگیرد، یافت نشد. بنابراین، می‌توان از این رده‌شناسی در زبان فارسی استفاده و جملات شرطی را طبقه‌بندی کرد. به عبارت دیگر، در زبان فارسی معاصر جهان ممکن بند شرط، می‌تواند از نوع حقیقی یا نظری باشد و اگر از نوع نظری باشد، می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد. در مواقعی که جهان ممکن بند شرط از نوع غیرخنثی بوده است، یکی از انواع بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی در جمله‌های شرطی قابل مشاهده است. در بیشتر جمله‌های شرطی پیکره، جهان ممکن بند شرط از نوع نظری غیرخنثی باز بوده است که این موضوع از آنجا نشئت می‌گیرد که در نظر گرفتن موقعیتی فرضی که احتمال وقوع دارد در ساخت شرطی، با مفهوم آنکه مشروط

بودن است، مطابقت دارد؛ زیرا جهان ممکن بند شرط باز موقعیتی را نشان می‌دهد که فرضی است و محتمل است. با بررسی جملات شرطی دیدیم که جهان‌های ممکن بند شرط خنثی، بسته، حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی به ترتیب، بیشترین بسامد را بعد از جهان ممکن باز به خود اختصاص داده‌اند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. factual
2. hypothetical
3. counterfactual
4. Traugott, E. C.
5. Declerck, R.
6. Reed, S.
7. possible world
8. Greenberg, Joseph. H.
9. Schachter, J.
10. generic
11. counterfactual
12. Comrie, B.
13. Athanasiadou, A.
14. Dirven, R.
15. Murcia, C. M.
16. Freeman, L. D.
17. Fintel, K.V.
18. Abdollahi-Guilani, M.
19. Palmer, R. F.
20. theoretical
21. neutral
22. nonneutral
23. closed
24. open
25. tentative
26. tense
27. past
28. non-past

۸. منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۴۵). *مدیر مدرسه*. تهران: کتاب‌های پرستو.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- احمدزاده، حبیب (۱۳۸۶). *شطرنج با ماشین قیامت*. تهران: سوره مهر.
- افغانی، علی محمد (۱۳۷۷). *دختردایی پروین*. تهران: جاویدان.
- بهنود، مسعود (۱۳۸۶). *خانوم*. تهران: علمی.
- جمال‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۳۳). *دارالمجانین*. تهران: معرفت.
- چهل‌تن، امیرحسین (۱۳۵۷). *دخیل بر پنجره فولاد*. تهران: رواق.
- دبیرمقدم، محمد و زهره صدیقی‌فر (۱۳۹۱). «آموزش جمله‌های شرطی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان: مقایسه دو روش تدریس ساختاری و تکلیف - محور». *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*. س ۱. ش ۲. صص ۳۲ - ۵۹.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۵۲). *سفر*. تهران: گلشنایی.
- سلیمی، اسمعیل‌علی (۱۳۹۴). «تأثیر افتراقی بازخورد اصلاحی بر یادگیری جملات شرطی و حروف تعریف زبان انگلیسی در زبان‌آموزان». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۵ (پیاپی ۲۶). صص ۲۳۵ - ۲۵۹.
- شهری، جعفر (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. تهران: میهن.
- علوی، بزرگ (۱۳۶۳). *چشم‌هایش*. تهران: انقلاب و ادبیات.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمائی. تهران: نشر مرکز.
- مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۸۴). *شما که غریبه نیستید*. تهران: معین.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: بابک.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۴). «کاربرد «که» در فارسی گفتاری». *نامه فرهنگستان*. ش ۳. صص ۱۹ - ۷.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴). «جمله‌های شرطی در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*. س ۲. ش ۲. صص ۴۳ - ۵۶.

References:

- Abdollahi-Guilani, M. & Subakir, Y. & Kim, H. (2012). "A Comparative Analysis of Conditional Clauses in English and Persian". *The Southeast Asian Journal of English Language Studies*. Vol 18(2). Pp: 83-93. [In Persian].
- Abolghasemi, M. (1996). *A Short Historical Grammar of the Persian Language*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Afghāni, A. M. (1999). *Cousin Parvin*. Tehran: Jāvidān Publication Organization. [In Persian].
- Ahmadzadeh, H. (2008). *Chess with the Doomsday Machine*. Tehran: Soore Mehr Publication. [In Persian].
- Alavi, B. (1985). *Her Eyes*. Tehran: Revolution & Literature publication. [In Persian].
- Âl-e-Ahmad Jalâl. (1967). *The School Principal*. Tehran: Parastu books publication. [In Persian].
- Athanasiadou, A. & Dirven, R. (1997). "Conditionality, Hypotheticality, Counterfactuality". In A. Athanasiadou & R. Dirven (Eds.) *On Conditionals again*. Pp. 61-96. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publication.
- Behnoud, M. (2008). *Khanoum*. Tehran: Elmi publication. [In Persian].
- Comrie, B. (1986). "Conditionals: A typology". In E. Traugott & A. Meulen & J. Reilly & C. Ferguson (Eds.) *On Conditionals*. Pp : 77-99. Cambrigde: Cambridge University Press.
- Čihiltan, A. H. (1979). *Daxil Bar Panjerey-e Fulād*. Tehran: Revāq Publication. [In Persian].
- Dabirmoghaddam, M. & Sedighifar, Z. (2013). [1391]. "Teaching Persian Conditional Sentences to Non-Persian Speakers: A Comparison Between Task-based and Structural Methods", In *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, Volume 1, Issue 2, (P.p. 32-59). [In Persian].

- Declerck, R. & Reed, S. (2001). *Conditionals: A comprehensive Empirical Analysis*. In E. C. Traugott & B. Kortmann (Eds.). Berlin. New York: Mouton de Gruyter.
- Dowlatabādi, M. (1974). *The Trip*. Tehran: Golšāyi Publications. [In Persian].
- Fintel, K. V. (2011). "Conditionals". In K. Heusinger & C. Maienborn & P. Portner (Eds.) *Semantics: An International Handbook of Meaning*, Vol 2. Berlin/ Boston: de Gruyter Mouton.
- Greenberg, J. H. (1963). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements". In J. H. Greenberg (Ed) *Universals of Language*. Pp: 73-113. Cambridge. Mass: MIT Press.
- Jamalzadeh, M. A. (1954). *Dar Al-Majanin*. Tehran: Marefat. [In Persian].
- Mahootian, Sh. (1999). [1378]. *Persian: Descriptive Grammars*. Translated by Samayi, M. Tehran: Markaz publications. [In Persian].
- Morādi Kermāni, H. (2006). *You're not Stranger Here*. Tehran: Moin Publications. [In Persian].
- Murcia, C. M. & Freeman, L. D. (1999). *The Grammar Book: An ESL/EFL Teacher's Course (2nd edition)*. New York: Heinle and Heinle.
- Najafi, A. (1995). "Usage of ke in colloquial Persian", In *Nama-I Farhangistan*, volume 3, (P.p. 7-19). [In Persian].
- Natel-Khanlari, Parviz. (1977). *Persian Language Grammar*. Tehran: Babak Publication. [In Persian].
- Palmer, F. R. (2013). *Modality and the English Modals*. NewYork and London: Routledge.
- Salimi, E. A. (2015). "Differential Effects of Corrective Feedback on the EFL Learners' Acquisition of Conditionals and Articles", In *Language Related Research*. Volume 6 (5). (Pp. 235-259). [In Persian].
- Schachter, J. (1971). *Presupposition and Counterfactual Conditional Sentences*. Ph. D. Dissertation. University of California. Los Angeles.
- Shahri, J. (1969). *Bitter Sugar*. Tehran: Zahir ol eslam Publication. [In Persian].

- Traugott, E. C. ; Meulen, A. T. & Reilly, J. S. & Ferguson, C. A. (2009). *On Conditionals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vahidiyan Kamyar, T. (1985). [1364]. "Conditional sentences in Persian language", In *Linguistics*. Volume 2. Issue 2. (Pp. 43-56). [In Persian].

Possible Worlds of Conditional Construction in Contemporary Persian Language

Seyedeh Atefeh Baghaei^{1*}, Mehrdad Naghzgooi Kohan²

1. PhD Candidate in General linguistics, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran.

2. Associate Professor of Public Linguistics, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Received: 12/03/2018

Accepted: 20/06/2018

Abstract

Conditional sentence is a compound sentence consisting of two clauses: protasis and apodosis. The purpose of this paper is investigating the conditional sentences in contemporary Persian language based on the Declerck and Reed typology (2001). According to this semantic typology, possible world of protasis is divided in to two factual and theoretical classes. Theoretical possible world can be neutral or nonneutral and the nonneutral is divided in to four types: closed, open, tentative and counterfactual. In the present study, we try to examine these types with respect to the corpus of 286 conditional sentences extracted from ten contemporary story books and the frequency of occurrence of each one to be determined separately. The analysis of Persian conditional sentences shows that the Persian conditional construction is compatible with mentioned typology and open possible world has the highest occurrence frequency, and the neutral, closed, factual, tentative and counterfactual possible worlds respectively dedicated the highest frequency of the open possible world. The higher frequency of occurrence of the open possible world arises from the fact that in this possible world a probabilistic situation is considered and there is no certainty about its occurrence and this interpretation is most consistent with the operation of the conditional construction. This study also shows that in addition to the common conditional conjunctions such as “agar, be shartike, vaella, vagarna, ...” other conjunctions are also used as conditional conjunctions like : “valo, farzan, hamin ke, be mojarade inke, vaghti, cheo...che, hala ke, ta, ke” .

Keywords: Conditional sentence, Protasis clause, Conditional word, Possible world, Open conditional.

* Corresponding Author's E-mail: abaghaei1389@yahoo.com